

پادشاهی

یک نمونه در خشان از نذر فرهنگی

اَرش شفا علی سی و ششمین شب شعر عاشورای شیراز، دیشب در شهر حرم سوم اهل بیت(ع) برگزار شد و شب دوم آن امشب برگزار و از طریق فضای مجازی برای دوستداران شعر عاشورایی و مذهبی پخش خواهد شد. این شب شعر، سال‌ها پیش براساس نذر فرهنگی یکی از چهره‌های کارآفرین و دوستدار اهل بیت(ع) در شهر شیراز به راه افتاد. در زمانی که مرحوم فرهنگ نذر کرد

«**این قبر را بشکافید…**»

ملا هاشم خراسانی، مؤلف کتاب «انتخب التواخیر» از پدر خود «محمدعلی خراسانی مشه‌دی» که حدود ۷۰ سال به خدمت فراشی در آستان قدس رضوی مفتخر بوده نقل می‌کند:

نناید اجازه داد به جای اینکه دولت، دینی شود دین دولتی شود

رواق به گزارش روابط عمومی برنامه سوره،

دومین قسمت از برنامه تلویزیونی سوره به موضوع «الهیات رهایی بخش شیعی» اختصاص داشت. میهمان این برنامه عماد افروغ، نویسنده و جامعه‌شناس کشورمان بود. در تشریح به این پرسش که آیا ما می‌توانیم در تشیع به نوعی الهیات رهایی‌بخش معتقد باشیم، گفت: ابتدا بگویم من ترجیح می‌دهم به جای واژه الهیات از واژه «الوهِیت» استفاده کنم و نکته دیگر در باب پرستان اینک به بنده مستخدم الهیات

شیعی چیزی جز الهیات رهایی‌بخش نیست؛ برای اینکه در اوج رهایی است، مسئله‌ای مثل عاشورا یا یک «الوهِیت ناپ» و منظر رهایی است. حسین(ع) اوج اتصال، فصاحت، قُرب و یگانگی با خداست. آ‌یا قیام عاشورا به عنوان منشأ الهیات

رهایی‌بخش فقط یک وجه فردی پررنگ دارد؟ خیر. قیام عاشورا یک وجه قیامی و سیاسی بزرگ دارد چون رهایی‌بخشی که نمی‌تواند فقط تجلی فردی داشته باشد و باید تجلی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز داشته باشد.

افروغ اضافه کرد: معمولاً وقتی درباره رهایی‌بخشی صحبت می‌شود نوعی دیگرخواهی برای نجات دیگران وجود دارد. یعنی دیگران را آگاه و کمک کنی تا نجات پیدا کرده و احساس مسئولیت اجتماعی پیدا کنند. بنابراین رهایی‌بخشی یک وجه فردی و یک وجه اجتماعی دارد.

اگر قرار باشد رهایی‌بخشی اجتماعی صورت بگیرد حتماً باید تفکر ضد سکولاریستی پیشش باشد. یعنی اگر امام حسین(ع) فقط می‌خواست یک حرکت فردی انجام دهد بی نوع سکولاریزم بود، اگر قرار بود ایشان یک حرکت دینی و فردی داشته باشد و تجلی اجتماعی نداشته باشد تفکر سکولاریستی می‌شود. یعنی ما علی الهیاتی نمی‌توانیم استفاده کنیم.

حرکت سکولاریستی رهایی‌بخشی را در جامعه محدود می‌کند. این جامعه‌شناس کشورمان توضیح داد: نکته‌ای که بارها در جلسات مختلف مطرح کردم این است که ما به‌جای تعریف اخلاق را از اینکه برخی می‌گویند ما می‌خواهیم اخلاق را از خودمان را در برابر ساختارهایی که تلاش همین گفته یک نسخه اخلاقی برای سیاست بپچیند است؛ به عبارت دیگر به عقیده آن‌ها

چون در سیاست ایاه‌گرایی رایج است بهتر است اخلاق وارد آن نشود. در حالی‌که اخلاق فقط افعال مثبت نسبت به افعال منفی هم جزو اخلاق حساب می‌شود. بنابراین اگر این دسته مجوز می‌دهند اخلاق منفی و عاقت‌طلب شوند دیگر هیچ اتفاقی نمی‌افتد چون از توده‌ها که انتظاری نیست.

نویسنده کتاب «چالش‌های کنونی ایرانی» در پایان گفت: الهیات رهایی‌بخش در خوانش شیعی ناظر به نوعی قدرت است. در قریب الهیات در حد آگاهی‌بخشی باقی می‌ماند و به استقرار سیاسی خود نیندیشد. الهیات رهایی‌بخش باید یک جنبش اجتماعی را سامان دهد و تبدیل به یک نظام شود. وقتی حرکتی مبتنی بر رهبری امام رخ می‌دهد چه در زمان حضور معصوم و چه در زمان غیبت حتماً یک هدف سیاسی دارد. الهیات رهایی‌بخش شیعه یک لحظه و یک دم نیست؛ بلکه بگوئیم آمد و مقرر شد و حالا هم می‌توانیم؛ الهیات رهایی‌بخش شیعه یک فرایند است و وقتی یک فرایند می‌باشد به مراقبت و نظارت نیاز دارد و باید مواظب باشد دچار ارتجاع و برگشت به شرایط قبل نشویم.

خطری که نهضت‌های دینی رهایی‌بخش را تهدید می‌کند این است به جای اینکه دولت، دینی شود، دین دولتی شود. این همان چیزی بود که امام حسین(ع) علیه آن قیام کرد چون دین هدف است نه ابزار. شخص نباید حکومت کند، شخصیت و قاعده باید حکومت کند.

درآمد خود را از چاپخانه شخصی‌اش به گسترش ادبیات عاشورایی اختصاص دهد. کمتر کسی به این مسئله توجه داشت که می‌توان از طریق نذر، کارهای فرهنگی تبلیغی کرد. این اقدام او که پس از رحلتش توسط فرزندانش پیگیری کرد، برگه‌های زیادی برای ادبیات کشور داشته است و بی‌شک ثواب کثیر و همیشگی را نصیب روح بلند وی خواهد کرد.

«در اوایی که به خدمت فراشی آستان رضوی مشرف شده بودم، خامی که او نیز من در یک زمان کشیک بود، مردی اهل زهد و وقتی پیش‌ها در حرم مطهر را می‌بستند، آن مرد صالح، برای خواب به آسایشگاه نمی‌رفت، بلکه در همان «دارالحفاظه» پشت در بسته، مشغول تهجد و عبادت می‌شد و وقت کسالت و خستگی، سر



عماد افروغ در برنامه سوره ...

آمنه مستقیم‌ی از امام رضا(ع) آموزه‌ها و روایاتی بر جای مانده که تأمل در معنای رُف آن‌ها می‌تواند گرهای بزرگی از زندگی و زمانه ما بگشاید. ازجمله این معارف تأکید بر احیای امر اهل بیت(ع) است که به منظور دانستن معنی، چیستی و چگونگی آن با حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی وافی، کارشناس و خطیب مذهبی و مدیر بنیان‌بنی‌المللی صحیفه سجادیه گفت‌وگوی ترتیب داده‌ام که در ادامه مشروح آن تقدیم حضورتان می‌شود.

■ **امنه رضا(ع) می‌فرماید: «حمت‌خدا بر بندهی که امر ما را زنده کند» منظور از امر اهل بیت(ع) که باید زنده شود در کلام حضرت ثامن الحجج(ع) چیست؟**
بحثی که مورد نظر است درباره روایتی است که در عین اخبارالرضا(ع) از عبدالسلام بن صالح مشهور به‌خواجهاجمل‌تهری نقل شده که گفت: شنیدم حضرت ثامن الحجج(ع) چنین فرمودند: «رَجَمَ اللَّهُ عُنْدًا أَحْيَا أَمَرْتَا. يَتَعَلَّمُ عُلُومًا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عُلِمُوا مُحَاسِنًا كَانُوا لَأَعْتَمُونَا». یعنی «حمت‌خدا بر بندۀ اهل بیت(ع) که امر ما را زنده کند، اگر مردم دانش‌های ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد، اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌آشنند از ما پیروی می‌کردند». راوی می‌گوید: عرض کردم چگونه ره شما زنده‌گانه داشته می‌شود؟ امام‌رضا(ع) توضیح فرمودند: علوم و معارف ما از پیاموز و آن‌ها را به مردم آموزش دهد (مردم را پای معارف اهل بیت(ع) بنشاند).

حضرت ثامن الحجج(ع) توضیح سومی را نیز در ادامه آورده درباره چگونگی این احیای فرمودند: اگر مردم محاسن و زیبایی‌های کلام ما اهل بیت(ع) را بدانند از ما تبعیت می‌کنند و جذب و پیرو ما می‌شوند. این روایت بر سه اصل وظیفه‌شعیه، چگونگی انجام آن ودلیل آن تصریح دارد. درباره‌سند این روایت باید گفت تقه و حسنه است و در سیر روایان این حدیث ضعفی دیده نمی‌شود.

■ **امنه رضا(ع) در این روایت بر فراگیری دانش‌های اهل بیت(ع) و آموزش آن به مردم تأکید دارند. این مهم چگونه شنخی است و در امور مردم به چه راهکارهایی نیاز دارد؟**

فراز دوم روایت که روش احیای امر اهل بیت(ع) است، نشان می‌دهد ما نباید‌مک گسانی هستیم که علوم و معارف اهل بیت(ع) را بی‌آموزد و از این خاستگاه همه این‌ها هم «امید» است. اگر قرار باشد رهایی‌بخشی اجتماعی صورت بگیرد حتماً باید تفکر ضد سکولاریستی پیشش باشد. یعنی اگر امام حسین(ع) فقط می‌خواست یک حرکت فردی انجام دهد بی نوع سکولاریزم بود، اگر قرار بود ایشان یک حرکت دینی و فردی داشته باشد و تجلی اجتماعی نباشد تفکر سکولاریستی می‌شود. یعنی ما علی الهیاتی نمی‌توانیم استفاده کنیم. حرکت سکولاریستی رهایی‌بخشی را در جامعه محدود می‌کند. این جامعه‌شناس کشورمان توضیح داد: نکته‌ای که بارها در جلسات مختلف مطرح کردم این است که ما به‌جای تعریف اخلاق را از اینکه برخی می‌گویند ما می‌خواهیم اخلاق را از خودمان را در برابر ساختارهایی که تلاش همین گفته یک نسخه اخلاقی برای سیاست بپچیند است؛ به عبارت دیگر به عقیده آن‌ها چون در سیاست ایاه‌گرایی رایج است بهتر است اخلاق وارد آن نشود. در حالی‌که اخلاق فقط افعال مثبت نسبت به افعال منفی هم جزو اخلاق حساب می‌شود. بنابراین اگر این دسته مجوز می‌دهند اخلاق منفی و عاقت‌طلب شوند دیگر هیچ اتفاقی نمی‌افتد چون از توده‌ها که انتظاری نیست.

نویسنده کتاب «چالش‌های کنونی ایرانی» در پایان گفت: الهیات رهایی‌بخش در خوانش شیعی ناظر به نوعی قدرت است. در قریب الهیات در حد آگاهی‌بخشی باقی می‌ماند و به استقرار سیاسی خود نیندیشد. الهیات رهایی‌بخش باید یک جنبش اجتماعی را سامان دهد و تبدیل به یک نظام شود. وقتی حرکتی مبتنی بر رهبری امام رخ می‌دهد چه در زمان حضور معصوم و چه در زمان غیبت حتماً یک هدف سیاسی دارد. الهیات رهایی‌بخش شیعه یک لحظه و یک دم نیست؛ بلکه بگوئیم آمد و مقرر شد و حالا هم می‌توانیم؛ الهیات رهایی‌بخش شیعه یک فرایند است و وقتی یک فرایند می‌باشد به مراقبت و نظارت نیاز دارد و باید مواظب باشد دچار ارتجاع و برگشت به شرایط قبل نشویم.

خطری که نهضت‌های دینی رهایی‌بخش را تهدید می‌کند این است به جای اینکه دولتی، دینی شود، دین دولتی شود. این همان چیزی بود که امام حسین(ع) علیه آن قیام کرد چون دین هدف است نه ابزار. شخص نباید حکومت کند، شخصیت و قاعده باید حکومت کند.

رویدادهای ادبی آیینی، کنگره‌ها و شب شعرهای مذهبی بسیاری در این سال‌ها به راه افتاده است و در شهرت‌ان‌های مختلف کشور، هرچند سال یک بار یک رویداد تازه در یکی از شهرها فراخوان داده است ولی پس از یکی دو سال سابقه و ایسته بوده، هروقت و به‌خاطر‌ها پیوسته است. شاید مهم‌ترین دلیل این عمر کوتاه و مدم پیوستگی این رویدادها به

خود را به عتبه در می‌گذاشت تا کسالتش برطرف شود. شبی سرش را بر عتبه مقدسه گذاشته بود، ناگاه صدای آب شدن در ضریح مطهر به گوشش می‌رسد. ابتدا خیل می‌کند هنگام بسته شدن درها، کسی داخل حرم جا مانده. ناگاه می‌بیند در حرم مطهر آب شد و بزرگ‌واری از حرم بیرون آمد و

حضور و سلیقه مخاطبان وابسته بوده است. مدبری آمده و طرحی جدید داده و کنگره‌ای هم به راه انداخته است. البته که نیت مدیران از برگزاری شب شعرها و کنگره‌ها به نام و یاد اهل بیت(ع) خیر بوده اما چون این رویدادها به پول و بودجه دولتی وابسته بوده، هروقت بودجه کم شده: نخستین چیزی که حیاتش به خطر افتاده همین کنگره‌های شعر و ادبیات بوده است. دیواری

دری که از دارالحفاظه به دارالسیاده است، باید شد و آن جناب به طرف دارالسیاده و از آنجا به طرف ایوان طلافته و بلیوایان ایستاد. خادم نقل می‌کند: من با کمال ادب نزدیک محراب ایستادم. دیدم دو نفر آمدند و با حال خضوع در برابر آن حضرت ایستادند. آن حضرت به آن نو نفر فرمود: «این قبر را بشکافید و این خبیث را از

حجت الاسلام والمسلمین وافی در گفت و گو با قدس بیان کرد نسخه امام رضا(ع) برای عزت و استقلال



■ حوزه‌های علمیه به عنوان هدایت‌بین و ترویج آموزه‌های دین بر احیای امر اهل بیت(ع) و فراگیری دانش‌های اهل بیت(ع) آموزش آن به مردم چه رسالتی را عهده‌دار هستند؟

حوزه‌های علمیه باید به‌طور مستقیم به این سمت حرکت کنند، اگر در حوزه‌های علمیه ادبیات می‌خوانیم، اگر پایه‌های اصولی و نظرات فقهی داریم برای آن است به‌جایی برسیم که طلاب پای روایات اهل بیت(ع) دراحداث مختلف بنشینندوبری استنباط استخراج معارف و علوم اهل بیتی در پیگیری مسائل فردی و اجتماعی که حوزه اعتقادات، رفتارها و نگرش‌ها به درجه اجتهاد برسند.

مسئله دوم اهمیت ترویج و تبلیغ معارف‌اهل بیت(ع) است. نشان می‌دهد ما هیچ‌گونه‌هایی از معارف داریم؛ باید‌گسانی باشند که بتوانند این‌ها را پیروش

مراسم بزرگداشت نخستین سالروز ارتحال طوبی کرمانی، استاددانشگاهتهران و سرپرست واحد خواران دانشگاه علوم اسلامی رضوی شامگاه ۲۳ شهریور ماه با حضور چند تن از استاتان دانشگاه و نمایان دینی و فرهنگی برگزار شد. به گزارش ایکنآ، حجت‌الاسلام والمسلمین علی خیاط، معاون بین‌الملل بعثه مقام معظم رهبری و رئیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی در سخنانی در این مراسم گفت: در نخستین سالگرد ارتحال نقوی بافضیلت و شخصیت عالم و دانشمند، سرکار خاتم کرمانی هستیم، بنده پیش از دو دهه در معاونت بین‌الملل بعثه‌با ایشان همکاری داشتم. همچنین ایشان مسئولیت پردیس خواهران دانشگاه علوم اسلامی رضوی را نیز بر عهده داشتند.

وی افزود: یکی از ابعاد برجسته شخصیتی ایشان که در



عکس:نوشته شهن محمدشهرابی

از دیوار فرهنگ و باز به شکلی مضاعف از دیوار ادبیات و در این کشور کوتا‌تر نیست و نخستین گرینه برای حذف و قطع بودجه، رویدادها و برنامه‌های ادبی است.

دلیل پیوستگی رویدادهایی مانند شب شعر عاشورا، همین استقلال آن از بودجه دولتی و سلیقه مدیران است. این شب شعر مانند برنامه‌های هیئت‌های مذهبی محلات و دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی و

جوار من بیرون بریزد» و اشاره کرد به قبری که در صحن مقدس پشت پنجره بود. آن نو نفر تا کنگ قبر را شکافتند و شخصی را از حالی که زنجیر آتشین به گردنش بود، بیرون آوردند و کشتن کشتان از صحن مقدس، به طرف بالا خدیان بردند. ناگهان، آن شخص روی خود را به جانب آن بزرگوار کرد و گفت: «یا بن رسول اللّٰه من خود را مقصّر و

بازتولید معارف اسلامی نیاز دارد، رهبری انقلاب معتقدند بازتولید معارف اسلامی می‌تواند به این صورت بینجامد:

■ **رهارد این بازخوانی برای جامعه اسلامی چه می‌تواند باشد؟**

باید توجه داشت این بازخوانی و بازتولید معارف اسلامی و انتقال و ارائه آن که در فراز سوم روایت امام رضا(ع) آمده، موجب می‌شود مسلمانان احساس هویت و غنای فکری کنند و این همان چیزی است که فرصت و زمینه احیای امر اهل بیت(ع) و جریان یافتن تفکر و انتقال و حس استقلال فکری فرهنگی مسلمان را فراهم می‌کند و سپس می‌شود ضعف هویت و اراده در مسلمانان کار برود و به سمت اهل بیت(ع) بروند و اینچنین تعمیر امام رضا(ع) درباره «الاعتیونا» محقق می‌شود. البته باید توجه داشت در کنار ضعف هویتی، نقشه دشمن هم وجود دارد که نداشته‌باشد. در چنین وضعیتی رفتار دین‌داران به اهل بیت(ع) و بازتولید آن شود تا اینچنین هویت آن‌ها رسلب کند.

■ **سیره امام رضا(ع) در موضوع بازتولید معارف اهل بیت(ع) در عصر خامن‌ن عصر ورود از افکار از اقصی نقاط جهان بود امروز چقدر کار دارد؟**

امام رضا(ع) خود این سیره را به‌خوبی جانداختند که چگونه می‌توان قلوب مردم را جلب کرد. حضرت(ع) زمانی تا تربیت شاگرد، زمانی با مناظرات و زمانی با نگاه انتقادی و انتقاری و هم‌راهی فضائل و بهائات تلاش می‌کنند به‌خصوص از طریق بازتولید فرقه‌های کلاب در گوشه و کنار دنیا که مدعی مسلماتی هستند تا اینچنین خرد تبلیغ و ترویج اسلام باب بگیرند. در مقابل با این دو جریان، کار میغان و عالمان دینی حساس، سخت، ضروری و نیازمند تلاش همه‌جانبگی و به‌قوت بودن است، اگر از ابزارها و محتوای یعنی رای ترویج دین نیازمند تعرض به‌دیگران نیستیم (بعضاً در ترویج دین و معارف اهل بیت(ع) برخی از بی‌اخلاقی‌ها، تعرض‌ها، پر خاشکری‌ها، مشاجرات و دعواها به‌ویژه در میان پیروان فرقه‌های اسلامی شکل می‌گیرد، سوم کلام امام رضا(ع) در تربیت شاگرد و مناظرات و سیره فقهی رزیایی کلام از نظر صناعت ادبی و شویایی بیان تأکید نداشته بلکه محاسن کلام در سیره رضوی مبتنی بر کارآمدی و کاربردی بودن است. به عبارت بهتر، آموزه‌ها و نکاتی که امام رضا(ع) می‌گویند برای حوزه عمل و

است نه صرفاً نقل یک مطلب. برای همین رهبری معظم انقلاب وقتی بر اصل صدور انقلاب تأکید می‌کنند، می‌گویند این روایت امام رضا(ع) درمی‌بایم بازتولید سیاسی، نظامی و امنیتی ممکن نیست بلکه به

اطعام مردم در ایام محرم، از دل مردم برخاسته و کسی جز مردم درباره آن برنامه‌ریزی نکرده و پولش را هم تأمین نکرده است. شب شعر عاشورای شیراز را مردم ایجاد کرده‌اند، مردم آن را ادامه داده‌اند و مردم به آن دل سپرده‌اند؛ شیرازی‌هایی که دهه‌هاست عادت کرده‌اند در شهرستان که شهر ادبیات و فرهنگ هم هست، عشق به امام حسین(ع) را از لابه‌لای

جوار من بیرون بریزد» و اشاره کرد به قبری که در صحن مقدس پشت پنجره بود. آن تاین سخن را گفت آن حضرت به آن نو نفر فرمود و آن خادم نقل می‌کند: من با کمال ادب نزدیک محراب ایستادم. دیدم دو چو سحر خادم وارد حرم می‌شوند و می‌بینند آن مرد بیهوش افتاده، او را به هوش می‌آورند و او قضیه را نقل می‌کند.

گناهکاری می‌دانستم که وصیت کردم مرا از راه و بیاورند و در جوار شما دفن کنند؛ تا این سخن را گفت آن حضرت به آن نو نفر فرمود و آن خادم نقل می‌کند: من با کمال ادب نزدیک محراب ایستادم. دیدم دو چو سحر خادم وارد حرم می‌شوند و می‌بینند آن مرد بیهوش افتاده، او را به هوش می‌آورند و او قضیه را نقل می‌کند.

اجراست نه صرف نظر و تئوری، علاوه بر این، سخن ایشان همه‌شمول است و در کنار زمان و مکان قرار نمی‌گیرد، یعنی وقتی کلامی از ایشان مرور می‌شود فقط مربوط به زمانه آن حضرت(ع) مجلسی خاص و مخاطبانی خاص نیست بلکه همه‌شمول است و به تناسب شرایط تغییر نمی‌کند.نوشته‌های نجات‌بخش برای همه‌دوره‌هاست مگر آن‌که در روایات تصریح نشده باشد به جمع و زمانی خاص اختصاص دارد. بنابراین اگر روایتی را دیدیم که در حوزه عمل کاربرد ندارد باید در صحت‌سند و دلالت آن بررسی کنیم.

■ **برای اینکه این نسخه عملی را در زمان درها و آل امروز جامعه به کار بگیریم، چه باید کرد؟**

دردی در زمانه ماست که به‌دور‌شده بارمی‌گردد، یکی افراد مدتن که حامل معارف اسلامی هستند؛ طبیعتاً کم‌فهمی‌ها و کم‌فهمی‌های سبب می‌شود در حوزه عمل رفتاری از آن‌ها سرزند که با اصل دین مطابقتی نداشته‌باشد. در چنین وضعیتی رفتار دین‌داران به جای تبلیغ، وجهه ضد تبلیغ به خود می‌گیرد چون معرفی‌ای اسلام با مسلمانان وقتی در حوزه عمل درست کار نکنیم و نمونه‌های ناب نباشیم دیگران از مایه عنوان آینه، نگاه کلامی از دین نمی‌گیرند حتی رفتارمان می‌تواند به دین گریزی و دین‌ستیزی در دیگران بینجامد!

پیش دوم، به برنامه‌ها و مانع تراشی‌های دشمن مربوط می‌شود به‌ویژه امروز که عرصه هنر رسانه فعال است، آن‌ها هیکارانشانند و خود معرفی اسلام با نگاه انتقادی و انتقاری و هم‌راهی فضائل و بهائات تلاش می‌کنند به‌خصوص از طریق بازتولید فرقه‌های کلاب در گوشه و کنار دنیا که مدعی مسلماتی هستند تا اینچنین خرد تبلیغ و ترویج اسلام باب بگیرند. در مقابل با این دو جریان، کار میغان و عالمان دینی حساس، سخت، ضروری و نیازمند تلاش همه‌جانبگی و به‌قوت بودن است، اگر از ابزارها و محتوای یعنی رای ترویج دین نیازمند تعرض به‌دیگران نیستیم (بعضاً در ترویج دین و معارف اهل بیت(ع) برخی از بی‌اخلاقی‌ها، تعرض‌ها، پر خاشکری‌ها، مشاجرات و دعواها به‌ویژه در میان پیروان فرقه‌های اسلامی شکل می‌گیرد، سوم کلام امام رضا(ع) در تربیت شاگرد و مناظرات و سیره فقهی رزیایی کلام از نظر صناعت ادبی و شویایی بیان تأکید نداشته بلکه محاسن کلام در سیره رضوی مبتنی بر کارآمدی و کاربردی بودن است. به عبارت بهتر، آموزه‌ها و نکاتی که امام رضا(ع) می‌گویند برای حوزه عمل و

است نه صرفاً نقل یک مطلب. برای همین رهبری معظم انقلاب وقتی بر اصل صدور انقلاب تأکید می‌کنند، می‌گویند این روایت امام رضا(ع) درمی‌بایم بازتولید سیاسی، نظامی و امنیتی ممکن نیست بلکه به

رئیس مدیریت و مسئولان دیگر خود را نشان می‌داد شخصیت مثبت‌اندیش ایشان بوده؛ همواره تلاش می‌کرد جزئی از راه‌حل انسان در کار با او می‌دید، اگر کسی کمترین اقدامی انجام می‌داد و پول و طیفه او هم بود همواره تشکر می‌کرد و این در کار مدیریتی بسیار مهم است.

خیاط بیان کرد: صفت برجسته دیگر در شخصیت ایشان وجود روحیه عفو و گذشت و بخشش بود، در کارها ممکن است اشتباهی از کسی سر بی‌زند، کوتاهی انجام شود ولی نمی‌ضمن نقد جدی بود، اما تذکر می‌داد و روحیه گذشت هم داشت، از کسی چیزی به دل نمی‌گرفت، کینه نگه نمی‌داشت و سینه‌ای مالا مال از حکمت و دل بزرگی داشت.

معاون بین‌الملل بعثه مقام معظم رهبری

من با تو زندگی نکنم؛ پیر می‌شوم
من در شعاع پرتو شمس‌الشموسیات آیینۀ‌کاری خُزمت زده‌پوری ست
در صحن کهنه سَوی تو کرم نماز را
من گریهام گرفتۀ کینه می‌تو به بخندن
یک شب نشد که بی‌گنه آیم زیارت
وقتی که آه می‌کشم از پرده نیاز
بیچاره من که نیست قلم‌دانم از طلا
قاره‌خانات ز کجا آب می‌خورد
آن نامه‌ام که از سر تعجیل و اضطراب برداشت
سیل گریه بساط زیارت
وقتِ ورود در حرم تو، هواپیام
بدا شلوع دور و برت کمبه عزیز
من حاجی تو ام که به تقصیر می‌شوم

بی اختیار پیش تو تبخیر می‌شوم
من در رواق چشم تو تکثیر می‌شوم
اینجاست آنچه لایق تکثیر می‌شوم
دارم به پای خویش سرازیر می‌شوم
اما دوباره پیش تو تقدیر می‌شوم
بی پرده با تو صاحب تصویر می‌شوم
هر چند با نگاه تو اکسیر می‌شوم
کز بانگ آن چو سیل سرازیر می‌شوم
بر بال کفتران تو تحریر می‌شوم
نم‌نم دوباره قابل تعمیر می‌شوم
وقت خروج، تازه زمینگیر می‌شوم
من حاجی تو ام که به تقصیر می‌شوم



مرحوم پدرم گفت: با جمعی از خادم رقتیم و آن محل را به ما نشان داد؛ ما آثار پیش قبر را به چشم دیدیم. پس از آن معلوم شد آن قبر یکی از حکام تابع مشهد بوده که روز قبل او را در آن محل، دفن کرده بودند.

منبع: «چهل داستان از کرامات امارع‌اشعه‌السلام» تدوین: مهدی خراسانی



در همین ایام ایشان به یک کار جدی و اساسی سیاسی پرداخت و آن ایجاد ائتلاف و اتحاد میان قبیله شیعی عراق بود. البته این داستان تا آنجا که این بنده می‌داند- در جایی ثبت و ضبط نشده است. یک روز ناهار در خدمت ایشان بودم، غذا پرنج بود، به مناسبت رسم پخت پرنج در ایران که پرنج را زنده نمی‌پسندند، صحبت پیش آمد که یک روز به دیدن یک قبیله شیعی در اطراف بغداد رفته بودیم.

شاهد سید مهدی حکیم نیز بود، در بدو خود ما افراد آن قبیله هزاران گلوله به شادمانی ورود ما به سوی آسمان شلیک کردند که آسمان از دود تیره شده بود. اول غروب به سر سفره دعوت شدیم. رسم است شیخ قبیله بالای سفره می‌نشیند و سینی بزرگ پرنج را در کنار او می‌گذارند و یک گوسفند پخته هم روی آن است. طبق رسم قبایل عربی او یا دست و دندان خود او قتمت از اسلام چه بدهای که به طرف حزب کمونیست رفته‌ای؟ جواب داد: من مسلمانم و الان روزه هستم؛ اما چون فکر می‌کنم در اسلام طرخی برای حکومت و مقابله با استعمارگران وجود ندارد یا باید به سوی کمپیتالیسم می‌روتم یا کمونیسم و من کمونیسم را ترجیح دادم. در

کاملاً پخته شود. به هر صورت ما بر سر سفره نشستیم و غذا تقسیم شد. رئیس قبیله تعارف کرد، ما دست به غذا نبردیم. این نشان می‌دهد میهمان خواهشی دارد؛ بنابراین رئیس قبیله رو به ما کرده و گفت: این نشان من هستم. شهید سید مهدی حکیم گفت: رئیس قبیله همسایه که عموي شماسات و بین شما دکورتی وجود دارد نباید اینجا و با هم غذا شود. رئیس قبیله جواب داد: این ممکن نیست. ما گفتیم: پس ما دست به غذا نمی‌بریم. این برای یک عرب آن هم در قبایل ممکن نبود.

تحمّل و پذیرش چنین ننگی امکان نداشت که کسی آن هم بزرگی و بزرگ‌زاده‌ای بر سر سفره و بیاید و غذا نخورد؛ از این روز فکری کرده و پذیرفت. شهید حکیم سوار شد و رفت رئیس قبیله همسایه را به همراه آورد. آشتی انجام شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.

عشایر آن روز مسلح بودند با جمعیت زیاد اما هر کدام ساز خود را می‌نواخت و اتحاد نداشت. آن‌ها نمی‌توانستند حتی کارها بکنند. علامه می‌فرمود: «اما فکر می‌کردیم اگر این قبایل همه با هم یک‌پارچه شده و تشکیل یک حکومت و ارتش ایجاد شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.

عشایر آن روز مسلح بودند با جمعیت زیاد اما هر کدام ساز خود را می‌نواخت و اتحاد نداشت. آن‌ها نمی‌توانستند حتی کارها بکنند. علامه می‌فرمود: «اما فکر می‌کردیم اگر این قبایل همه با هم یک‌پارچه شده و تشکیل یک حکومت و ارتش ایجاد شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.

عشایر آن روز مسلح بودند با جمعیت زیاد اما هر کدام ساز خود را می‌نواخت و اتحاد نداشت. آن‌ها نمی‌توانستند حتی کارها بکنند. علامه می‌فرمود: «اما فکر می‌کردیم اگر این قبایل همه با هم یک‌پارچه شده و تشکیل یک حکومت و ارتش ایجاد شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.

عشایر آن روز مسلح بودند با جمعیت زیاد اما هر کدام ساز خود را می‌نواخت و اتحاد نداشت. آن‌ها نمی‌توانستند حتی کارها بکنند. علامه می‌فرمود: «اما فکر می‌کردیم اگر این قبایل همه با هم یک‌پارچه شده و تشکیل یک حکومت و ارتش ایجاد شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.



کسی که پیشش و عقل خود را به کمال رساند و در رکود فکری و فرهنگی به سر برد، به سادگی در هلاکت و گمراهی و سقوط قرار خواهد گرفت.



درخاشیه

تغییر نقشه منطقه

علامه عسکری می‌فرمود: «ما فکر می‌کردیم اگر این قبایل همه با هم یک‌پارچه شده و تشکیل یک حکومت می‌توانستند، این نشان من هستم. شهید سید مهدی حکیم گفت: رئیس قبیله همسایه که عموي شماسات و بین شما دکورتی وجود دارد نباید اینجا و با هم غذا شود. رئیس قبیله جواب داد: این ممکن نیست. ما گفتیم: پس ما دست به غذا نمی‌بریم. این برای یک عرب آن هم در قبایل ممکن نبود.

تحمّل و پذیرش چنین ننگی امکان نداشت که کسی آن هم بزرگی و بزرگ‌زاده‌ای بر سر سفره و بیاید و غذا نخورد؛ از این روز فکری کرده و پذیرفت. شهید حکیم سوار شد و رفت رئیس قبیله همسایه را به همراه آورد. آشتی انجام شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.

عشایر آن روز مسلح بودند با جمعیت زیاد اما هر کدام ساز خود را می‌نواخت و اتحاد نداشت. آن‌ها نمی‌توانستند حتی کارها بکنند. علامه می‌فرمود: «اما فکر می‌کردیم اگر این قبایل همه با هم یک‌پارچه شده و تشکیل یک حکومت و ارتش ایجاد شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.

عشایر آن روز مسلح بودند با جمعیت زیاد اما هر کدام ساز خود را می‌نواخت و اتحاد نداشت. آن‌ها نمی‌توانستند حتی کارها بکنند. علامه می‌فرمود: «اما فکر می‌کردیم اگر این قبایل همه با هم یک‌پارچه شده و تشکیل یک حکومت و ارتش ایجاد شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.



هر کس برای نیاز بیماری بگوید - چه آن را بپزند - سازه، چه سبزه - مانند روزی که از مادرش زاده شده، از گناهش پاک می‌شود.

هر کس برای نیاز بیماری بگوید - چه آن را بپزند - سازه، چه سبزه - مانند روزی که از مادرش زاده شده، از گناهش پاک می‌شود.



درخاشیه

تغییر نقشه منطقه

علامه عسکری می‌فرمود: «ما فکر می‌کردیم اگر این قبایل همه با هم یک‌پارچه شده و تشکیل یک حکومت می‌توانستند، این نشان من هستم. شهید سید مهدی حکیم گفت: رئیس قبیله همسایه که عموي شماسات و بین شما دکورتی وجود دارد نباید اینجا و با هم غذا شود. رئیس قبیله جواب داد: این ممکن نیست. ما گفتیم: پس ما دست به غذا نمی‌بریم. این برای یک عرب آن هم در قبایل ممکن نبود.

تحمّل و پذیرش چنین ننگی امکان نداشت که کسی آن هم بزرگی و بزرگ‌زاده‌ای بر سر سفره و بیاید و غذا نخورد؛ از این روز فکری کرده و پذیرفت. شهید حکیم سوار شد و رفت رئیس قبیله همسایه را به همراه آورد. آشتی انجام شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.

عشایر آن روز مسلح بودند با جمعیت زیاد اما هر کدام ساز خود را می‌نواخت و اتحاد نداشت. آن‌ها نمی‌توانستند حتی کارها بکنند. علامه می‌فرمود: «اما فکر می‌کردیم اگر این قبایل همه با هم یک‌پارچه شده و تشکیل یک حکومت و ارتش ایجاد شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.

عشایر آن روز مسلح بودند با جمعیت زیاد اما هر کدام ساز خود را می‌نواخت و اتحاد نداشت. آن‌ها نمی‌توانستند حتی کارها بکنند. علامه می‌فرمود: «اما فکر می‌کردیم اگر این قبایل همه با هم یک‌پارچه شده و تشکیل یک حکومت و ارتش ایجاد شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.

عشایر آن روز مسلح بودند با جمعیت زیاد اما هر کدام ساز خود را می‌نواخت و اتحاد نداشت. آن‌ها نمی‌توانستند حتی کارها بکنند. علامه می‌فرمود: «اما فکر می‌کردیم اگر این قبایل همه با هم یک‌پارچه شده و تشکیل یک حکومت و ارتش ایجاد شد و با هم غذا خوردیم. این روز پس از این مقدمه اتفاق افتاد. مناطق زندگی عشایر شیعی عراق در اطراف بغداد قرار داشت.

